



دانشگاه باقرالعلوم قم
(عمر دولتی - غیر انتفاعی)

دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) قم

دانشکده: الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

آثار اعتقاد به

صفات کمالی خداوند و توحید افعالی

درسبک زندگی بر اساس آثار

استاد جوادی آملی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمد مهدی گرجیان

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سید غلامرضا موسوی

نگارش:

عبدالرضا بختیاروند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) قم

دانشکده: الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

آثار اعتقاد به

صفات کمالی خداوند و توحید افعالی

درسبک زندگی بر اساس آثار

استاد جوادی آملی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمد مهدی گرجیان

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سید غلامرضا موسوی

نگارش:

عبدالرضا بختیاروند

1393

تقدیم

به روح عظیم سرور شهیدان و همه شهدائی که با شعار عملی «هیئات منا الذله» برترین سبک زندگی که «عشق به خداوند و برائت از بدیها» می باشد، برای ما به یادگار نهادند.

تقدیر و تشکر

از اساتید بزرگوارم که مرا از وادی دهشتناک ظلمت و جهل به بهشت علم و دانائی رهنمون بوده‌اند. ناقابلی چون مرا به شرف حضور پذیرفتند و کامم را به نوشیدن از چشمه‌ی زلال معارف اهل بیت (علیهم السلام) انس دادند.

از بین همه اساتید بزرگوار، تشکر ویژه دارم از اساتید دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر گرجیان که زحمت راهنمائی نوشتار اینجانب را برعهده گرفته و با ارائه نکات ارزنده کمکم نمودند؛ و نیز جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر موسوی که با مطالعه دقیق و مشاوره نکات ضروری بحث، بر غنای مطالب بیان شده افزودند.

و نیز تشکر می کنم از پدر و مادرم که زمینه ساز گوهر هستی‌ام بوده‌اند؛ و فراموش نخواهم کرد مهربانی‌های همسر و فرزندانم که همیار من در خدمت به مکتب هستند؛

چکیده

یکی از مهم ترین پرسش‌ها در آغاز دینداری، سؤال از ضرورت دین‌پژوهی و نیز فائده باور به گزاره‌های دینی در زندگی انسان است. ذهن کنجکاو بشری و تمایلات منفعت‌جویانه او، ناخودآگاهانه می‌پرسد که دین و آموزه‌های دینی قرار است چه روزه‌ای برای سعادت او نشان دهند و یا کدامین گره از مسیر زندگی را برایش می‌گشایند؟

جواب این پرسش؛ اولاً در تبیین علمی رابطه باورهای انسان با رفتارش، و ثانیاً در نمایاندن عینی بازتاب این باورها در سبک گفتاری، کرداری و نمود بیرونی زندگی او می‌باشد. به عبارت دیگر؛ با توجه به اینکه نمای بیرونی زندگی انسان، بازتابی از عقائد درونی اوست، باور به اینکه سراسر هستی برخاسته از مبدئی نورانی و مهربان می‌باشد، جلوه‌ای تازه و حیاتی متفاوت در این نما ایجاد می‌نماید. کسی که باور دارد این جهان در سلطه‌ی خداوندی یکتاست که اولاً نیکوترین صفات را دارد و ثانیاً هر کاری در خلقت تنها و تنها به او بازمی‌گردد، زندگی بسیار متفاوت است با کسی که جهان را تیره و تار و بدون مبدأ می‌پندارد.

آگاهان بر مبانی فکری و آثار منتشر شده از استاد جوادی آملی نیز بر این مطلب اذعان دارند که این دانشمند وارسته نیز نسبت به آثار باور به صفات کمالی پروردگار و توحید افعالی در سبک زندگی بدون دغدغه نبوده‌اند و در بسیاری از سخنان و کتب ایشان می‌توان به گهرهائی در این زمینه دست یافت. از جمله مهم‌ترین آثار متجلی شده از این دو باور که در نوشته‌های استاد جوادی به آن اشاره شده است می‌توان از عبادت عاشقانه و خالصانه، زندگی توأم با علم آموزی و امید، معاشرت کریمانه و مسالمت آمیز با دیگران، مقابله پراستقامت با شیطان و استکبار، احساس امدادهای دائمی الهی و تکیه بر آنها در زندگی یاد کرد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، رابطه اعتقاد و عمل، صفات کمالیه خداوند، توحید

افعالی، استاد جوادی آملی.

فهرست

1 فصل اول : کلیات.....

2 گفتار اول : طرح تحقیق.....

2 1.تبیین مسأله

3 2.اهمیت و فایده

4 3.پیشینه تحقیق

5 4.سوالات اصلی و فرعی

5 5.روش تحقیق

6 گفتار دوم: چارچوب مفهومی.....

6 1.معنای لغوی سبک زندگی

6 2.معنای اصطلاحی سبک زندگی

9 3.مبانی اثرگذار بر سبک زندگی

11 4.موضوعات تأثیر پذیر و متغیر از سبک زندگی دینی و غیر دینی.....

12 5.صفات کمالیه خداوند.....

14 6.توحید افعالی

16 7.رابطه اعتقاد و رفتار

فصل دوم: بررسی نقش اعتقاد به صفات کمالیه در سبک زندگی از منظر استاد

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED. جواد آملی

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED. در آمد

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED. گفتار اول: صفات ذات

1. جلوه های اعتقاد به "علم الهی" در سبک زندگی **Error! Bookmark not defined.**

2. جلوه های اعتقاد به "قدرت الهی" در سبک زندگی **Error! Bookmark not defined.**

3. جلوه های اعتقاد به "حیات الهی" در زندگی بشر **Error! Bookmark not defined.**

4. جلوه های اعتقاد به "بینا و شنوا بودن خداوند" در سبک زندگی **Error! Bookmark not**

defined.

5. جلوه های اعتقاد به "حکمت خداوند" در سبک زندگی **Error! Bookmark not defined.**

6. جلوه های اعتقاد به "غنی بودن پروردگار" در سبک زندگی ... **Error! Bookmark not defined.**

گفتار دوم: صفات فعل **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

1. جلوه های اعتقاد به "اراده الهی" در سبک زندگی **Error! Bookmark not defined.**

2. جلوه های اعتقاد به "رحمت خداوند" در سبک زندگی **Error! Bookmark not defined.**

3. جلوه های اعتقاد به "عفو و گذشت الهی" در سبک زندگی **Error! Bookmark not defined.**

4. جلوه های اعتقاد به "کرم و بخشش الهی" در سبک زندگی **Error! Bookmark not defined.**

فصل سوم: آثار اعتقاد به توحید افعالی در سبک زندگی براساس آثار استاد

جوادی آملی **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

درآمد **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

گفتار اول: عبادت، خالقیت، ربوبیت **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

1. جلوه های اعتقاد به "توحید در عبادت" در سبک زندگی **Error! Bookmark not defined.**

2. جلوه های اعتقاد به "توحید در خالقیت" در سبک زندگی ... **Error! Bookmark not defined.**

3. جلوه های اعتقاد به "توحید در ربوبیت تکوینی و تشریحی" در سبک زندگی **Error! Bookmark**

not defined.

گفتار دوم: مالکیت و رازقیت **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

1. جلوه های اعتقاد به "توحید در مالکیت" در سبک زندگی **Error! Bookmark not defined.**

2. جلوه های اعتقاد به "توحید در رازقیت" در سبک زندگی **Error! Bookmark not defined.**

گفتار سوم: عزت، ولایت، اطاعت **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

1. جلوه های اعتقاد به "توحید در عزت" در سبک زندگی..... **Error! Bookmark not defined.**

2. جلوه های اعتقاد به "توحید در ولایت" در سبک زندگی..... **Error! Bookmark not defined.**

3. جلوه های اعتقاد به "توحید در اطاعت" در سبک زندگی..... **Error! Bookmark not defined.**

گفتار چهارم: محبت، خوف و رجاء **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

1. جلوه های اعتقاد به "توحید در محبت" در سبک زندگی..... **Error! Bookmark not defined.**

2. جلوه های اعتقاد به "توحید در خوف و رجاء" در سبک زندگی..... **Error! Bookmark not**

defined.

گفتار پنجم: استعانت، توکل، تفویض..... **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

1. جلوه های اعتقاد به "توحید در استعانت" در سبک زندگی... **Error! Bookmark not defined.**

2. جلوه های اعتقاد به "توحید در توکل" در سبک زندگی..... **Error! Bookmark not defined.**

3. جلوه اعتقاد به "توحید در تفویض" در سبک زندگی..... **Error! Bookmark not defined.**

خاتمه : نتیجه گیری، جمع بندی و پیشنهادات **ERROR! BOOKMARK NOT**

DEFINED.

فهرست منابع..... **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

فصل اول : کلیات

گفتار اول : طرح تحقیق

1. تبیین مسأله

روش‌های گفتاری و کرداری، فرهنگ و هنرهای فردی و اجتماعی، ارتباطات فراگیر در گستره جامعه و معاشرت‌هایی که در بین افراد بشر و در جوامع مختلف دیده می‌شود، فراتر از آنکه بخواهیم آن را فرهنگ یا تمدن بنامیم، بیانگر سبکی از زندگی انسان می‌باشند.

هر چند این روش‌ها و چیدمان‌های چگونه زیستن، در گره خوردن با جان انسان‌ها، گاه تبدیل به غیرت‌ها و تعصباتی انعطاف‌ناپذیر و شعارهایی ملی و قومی شده است، اما تاریخ بر تغییر و نسخ‌هایی در این سنت‌ها و فرهنگ‌ها نیز گواهی می‌دهد که باعث فراز یا فرود ملت‌هایشان شده‌اند.

با توجه به اینکه ادیان آسمانی و باورهای دینی، همواره در کنار ملت‌ها بوده و نقش بسزایی در ترمیم و اصلاح فرهنگ‌ها داشته‌اند، این بازیگر مهم در برخی نوشته‌ها نه تنها دیده نشده است، بلکه گاه به عنوان مخدر و افیونی برای ملت‌ها عنوان شده است.¹

دفاع از ساحت مؤثر دین در این عرصه، خواهان نگاهی روانشناسانه و جامعه‌شناسانه به پیامدهای باورهای دینی در سبک زندگی انسان می‌باشد. نگاهی دوسویه که از سمتی آگاه به باورهای فلسفی - کلامی دین باشد؛ و از سوی دیگر اتصال هر باور با تحولاتی که در زندگی انسان‌ها رخ می‌دهد را به خوبی ببیند و به دیگران نیز نشان دهد. نگاهی که به این مسأله کلیدی و ابتدائی در مباحث دین‌پژوهی پاسخ دهد که باورهای دینی قرار است کدامین یک از تنگناهای زندگی بشر را بگشایند؟!

به بیان دیگر، موقعیت پرسشگری از کارآیی و کارکرد دین در زندگی بشر را باید با این مقدمه بهتر روشن کرد که نگاه به گزاره‌های دینی، از دو زاویه می‌تواند مد نظر محققان و پژوهشگران قرار گیرد.

نگرش اول، نگرش حقّ جوئیانه یا پرسش گرایانه از درستی و نادرستی گزاره‌های دینی است. متکلمان، فقها و علمای اخلاق با این نگرش به اثبات صانع، صفات، افعال الهی و احکام

¹ حسن یوسفیان، کلام جدید، ص 44.

خمسه ی افعال مکلفین و خلق و خوی انسان ها می پردازند. پیش فرض این نگاه این است که باورهای دینی، صدق و کذب بردارند. خواه مدلول مطابقی آن ها باشند و خواه مدلول التزامی آن ها؛ مانند گزاره های فقهی و اخلاقی.

نگرش دوم، نگاه به دین از زاویه کارکرد گرایی آن است. در این نگرش به حق یا باطل بودن گزاره های دینی توجهی نمی شود. بلکه به دنبال این پرسش اند که ایمان به گزاره های دینی، چه منش و شخصیتی از مؤمنان می سازد و تأثیرات منفی و مثبت آن ها چیست؟ و این که دین تا چه اندازه نیازهای آدمیان را برآورده کرده است؟ چه خدمات فردی و اجتماعی بر جای گذاشته و اصولاً آیا با نگرش بی طرفانه - نه مؤمنانه و نه منکرانه - می توان حسناتی را به دین نسبت داد؟ این پرسش ها را می توان نسبت به تک تک گزاره های دینی مطرح ساخت؛ مثلاً آیا خدا باوری بر زندگی افراد اثر می گذارد؟ مکانیزم این اثر گذاری چگونه و آثار آن کدامند؟ آیا شواهد و مصادیقی در تأیید این اثر گذاری وجود دارد؟¹

این نوشتار بر آن است که با استفاده از آثار استاد جوادی آملی، به تبیین هرچه کامل تر بازتاب اعتقاد به صفات کمالیه پروردگار و توحید افعالی در سبک زندگی دو فصل جداگانه پردازد تا نمود واضح تری از حضور کارکردهای دین در شئون گوناگون حیات بشری را آشکار کند.

البته نگارنده بر گستردگی این مبحث و وجود زوایای آشکار و پنهانی که در این نوشتار نیامده است آگاه بوده است که در قسمت پیشنهادات به برخی از این زوایا اشاره می شود.

2. اهمیت و فایده

1. شناخت دقیق تر از ارتباط معرفت صفات الهی در جهت دهی به زندگی بشر.
2. تحلیل علمی از تأثیرگذاری اعتقاد به صفات کمالی خدا بر زندگی.
3. بیان مقولات اثرپذیر از این اعتقاد به صفات الهی و توحید افعالی.

¹¹ عبدالحسین خسروپناه، کلام جدید، ص 94.

4. واکاوی زیرمجموعه‌های توحید افعالی و آثار باور به آنها در سبک زندگی.
5. ارائه ی مشخص و کلاسیک مبحث "بازتاب اعتقادات مذهبی در زندگی بشر" در محافل مختلف تخصصی در باب فلسفه ی دین.
6. آشنایی با افکار و اندیشه های استاد جوادی در این مبحث.

3. پیشینه تحقیق

همانطور که در تبیین مسأله گذشت، در نگرش به دین دو نگاه وجود دارد. اولاً نگاه به درستی و نادرستی گزاره‌های دینی و دوم نگاه به دین از حیث کارکرد آن در سبک زندگی بشر. با توجه به دغدغه نویسنده در جستجوی آثار اعتقاد به دین - به طور عام - و آثار باور به صفات الهی و توحید افعالی - به طور خاص - در سبک زندگی در آثار اندیشمندان اسلامی و غربی، نتیجه این‌گونه بدست آمد که این مبحث به چند صورت مورد توجه قرار گرفته است:

در کتاب‌های کلام جدید، این مبحث را تحت عنوان «کارکرد دین در زندگی بشر» یا «نیاز به دین» یا «انتظار بشر از دین» مطرح کرده اند. کتاب‌هایی مانند کلام جدید نوشته‌ی حسن یوسفیان، در فصل ششم (نیاز به دین)، و فصل یازدهم (دین در عرصه جامعه) به برخی آثار فردی دین مانند معنا بخشی به زندگی، کاهش اضطراب و نگرانی و برخی آثار اجتماعی مانند برقراری وحدت، تأمین عدالت و ... اشاره کرده است. و نیز می‌توان به کتاب کلام جدید عبدالحسین خسروپناه اشاره کرد که در بحث «کارکرد دین» در مجموع به حدود بیست و شش کارکرد همه ادیان و دین اسلام به طور خاص می‌پردازد.

از دیگر کتاب‌هایی که آثار و پیامدهای دین در زندگی بشر را مورد توجه قرار داده‌اند، برخی کتب جامعه شناسی و روانشناسی هستند. زیرا افرادی همچون کنت اسپنسر، مارکس، دورکیم، وبر و دیگرانی که به عنوان بنیان‌گذاران علم جامعه‌شناسی شناخته می‌شوند، و نیز روانشناسانی چون زیگموند فروید توجه ویژه ای به نقش دین در جامعه عصر جدید مبذول داشته‌اند.

در این بین کتاب‌ها و پایان‌نامه‌هایی نیز در این زمینه مشاهده شد. مانند کتاب «نقش باورهای دینی در اصلاح و فرد و جامعه» از سعدالله حسنی که توسط انتشارات بوستان کتاب به چاپ رسیده است.

اما به نظر می‌رسد نوشتار حاضر اولین نوشته‌ای است که به طور جامع‌تری به توصیف و تحلیل آثار باور به صفات الهی و توحید افعالی در سبک زندگی از نگاه یکی از اندیشمندان معاصر می‌پردازد.

4. سوالات اصلی و فرعی

سوال اصلی :

" اعتقاد به صفات کمالی خداوند و توحید افعالی، از منظر استاد جوادی آملی چه تأثیری بر سبک زندگی دارد؟ "

سوالات فرعی:

1. سبک زندگی چیست؟
2. سبک زندگی چه مؤلفه‌هایی دارد؟
3. دیدگاه‌های نظری در سبک زندگی چیست؟
4. منظور از صفات کمالیه خداوند و توحید افعالی چیست؟

5. روش تحقیق

این رساله بر آن است که با استفاده از آثار یکی از اندیشمندان معاصر اسلامی، به توصیف و تحلیل بازتاب باورهای دینی در بخش صفات کمالیه خداوند و توحید افعالی، در سبک زندگی انسان بپردازد. بنابراین روش آن توصیفی - تحلیلی خواهد بود.

گفتار دوم: چارچوب مفهومی

1. معنای لغوی سبک زندگی

سبک زندگی ترکیب شده است از دو واژه «سبک» و «زندگی». واژه «سبک» در زبان عربی با کلمه «اسلوب» و در زبان انگلیسی با «style» معادل سازی می شود.

اما واژه «زندگی» در لغت نامه دهخدا اینگونه توضیح داده شده است: «زندگانی، معاش، عیش، معاش، معیشت... در تداول اسباب . مال . اسباب خانه . کالای خانه فلان زندگی خوبی بهم زده است». فرهنگ فارسی عمید نیز برای زندگی، چهار معنا ذکر می کند: 1. زنده بودن، زیست، حیات 2. مدت عمر 3. وضع مالی و 4. مال و منال. زندگی در عربی به معنای «حیات و عیش» و در لاتین «existence, life, lived, living» ترجمه می شود.

2. معنای اصطلاحی سبک زندگی

مفهوم «سبک زندگی» یا «life style» مفهومی نسبتاً جدید در ادبیات علمی و فرهنگی بشر است. در اینکه نخستین بار این اصطلاح از سوی چه کسی به کار رفته است، در میان روان شناسان و جامعه شناسان اختلاف است؛ برخی جامعه شناسان مدعی اند که «سبک زندگی» از اصطلاحات ابداعی ماکس وبر (1864-1920)، جامعه شناس فرانسوی است و در مقابل، برخی روان شناسان جعل و ابداع این اصطلاح را به آلفرد آدلر (1870-1937)، اتریشی و بنیانگذار رویکرد روان شناسی فردی نسبت می دهند. هر چند به طور دقیق نمی توان مشخص کرد که این اصطلاح نخستین بار توسط چه کسی ابداع شده است، اما به نظر می رسد نخستین بار توسط آلفرد آدلر به عنوان یک بحث مستقل و جدی مورد توجه قرار گرفت. پس از ایشان، مورد توجه بسیاری از اندیشمندان

حوزه‌های گوناگون قرار گرفت. به گونه‌ای که هم‌اکنون برای تحلیل، پیش‌بینی، کنترل و یا هدایت بسیاری از پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۱

«سبک زندگی مفهومی است که آدلر آن را ابداع کرد ولی پیروان کلاسیک او و دیگران به تفصیل آن پرداخته اند: سبک زندگی شیوه‌ای نسبتاً ثابت است که فرد اهداف خود را به آن طریق دنبال می‌کند. یعنی راهی است برای رسیدن به اهداف... به سخن دیگر؛ سبک زندگی بعد عینی و کمیت پذیر شخصیت افراد است».^۲

در میان اندیشمندان علوم اجتماعی غربی، سبک زندگی با رویکردهای مختلفی تعریف شده که برخی از آنها عبارتند از:

«لیزر» (1963م) سبک زندگی را براساس الگوی خرید کالا تعریف می‌کند. به نظر وی سبک زندگی نشان دهنده شیوه زندگی متمایز جامعه یا گروه اجتماعی و نشان‌دهنده شیوه‌ای است که مصرف‌کننده در آن خرید می‌کند و به شیوه‌ای که کالای خریداری شده مصرف می‌شود، بازتاب‌دهنده سبک زندگی مصرف‌کننده در جامعه است.^۳

«یاسر من» (1983م) سبک زندگی را الگویی از مصرف می‌داند که دربردارنده ترجیحات، ذائقه و ارزش‌هاست ... سبک زندگی به مثابه مجموعه‌ی منسجمی از انتخاب‌ها، ترجیحات و رفتارهای مصرف‌گرایانه است.^۴

از دیدگاه «سویل»، سبک زندگی عبارت است از «هر شیوه متمایز و بنابراین قابل تشخیص زیستن».^۵

«سولومون» اعتقاد دارد که هر جامعه‌ای دارای سبک و شیوه زندگی متفاوتی است. سبک زندگی، فعل و انفعال فرد را در محیط زندگی او نشان می‌دهد. در جوامع سنتی انتخاب‌های مبتنی

^۱ احمد حسین شریفی، مجله فرهنگی - اجتماعی معرفت، سال سوم، شماره سوم، تابستان 1391، صفحه 49 - 62.

^۲ محمد کاویانی، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ص 16.

^۳ ناهید خوشنویس، رسانه و سبک زندگی، ماهنامه روابط عمومی ایران، 73 (1389)، ص 10.

^۴ رسول ربانی و یاسر رستگار، سبک زندگی و فرهنگ مصرفی، مجله مهندسی فرهنگی، ص 23 و 24 (1387).

^۵ حسن چاوشیان و یوسف اباذری، از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، مجله نامه علوم اجتماعی، 20 (1381)، ص 24.

بر مصرف به شکل گسترده‌ای براساس طبقه، کاست، محیط روستا یا خانواده دیکته می‌شود؛ در حالی که در جوامع مدرن به هر حال مردم دارای آزادی عمل بیشتری در انتخاب کالاها و خدمات و فعالیت‌هایی هستند که به نوبه خود هویت اجتماعی را خلق می‌کند.¹

به نظر «آرتور آسابرگر» برای تعریف اصطلاح «life style» با واژه فراگیری روبرو هستیم که از سلیقه فرد در زمینه آرایش مو و لباس تا سرگرمی و تفریح و ادبیات و موضوعات مربوط دیگر را شامل می‌شود. کلمه «سبک»، «مد» را تداعی می‌کند؛ پس سبک زندگی در واقع مد یا حالت زندگی یک فرد است.²

برداشت «گیدنز» از مقوله سبک زندگی عبارت است از: تلاش برای شناخت مجموعه منظمی از رفتارها یا الگویی از کنش‌ها که افراد آنها را انتخاب کرده و کنش‌های آنها در زندگی روزمره به واسطه آنها هدایت می‌شود.³

«محمد فاضلی» در کتاب «مصرف و سبک زندگی»، معنای این واژه را عبارت می‌داند از «طیف رفتاری‌ای که اصلی انسجام‌بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده می‌باشد و الزاماً برای همگان قابل تشخیص نیست؛ اگر چه محقق اجتماعی میان آن و بقیه طیف رفتارهای افراد جامعه، تمایز قائل می‌شود».⁴ نویسنده «کتاب دین و سبک زندگی» می‌نویسد: «سبک زندگی عبارت است از الگوی هم‌گرا (کلیت تامی) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌ها (سلیقه) اش و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند. یا به اختصار، سبک زندگی: الگو یا مجموعه نظام-مند کنش‌های مرجح است».⁵

¹ محمدرضا رسولی، بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلویزیون، مجله علوم اجتماعی، 23 (1382)، ص 54.

² همان.

³ ناهید خوشنویس، رسانه و سبک زندگی، ص 11.

⁴ محمد فاضلی، مصرف و سبک زندگی، ص 83.

⁵ محمد سعید مهدوی کنی، دین و سبک زندگی، ص 78.

به نظر می‌رسد که از میان این همه نزاع لفظی، بهترین برداشت از سبک زندگی و جامع بین همه آنها عبارت است از:

«سبک زندگی عبارت است از مجموعه چارچوب‌ها و قالب‌های ساختاری در فکر و عمل فرد و جامعه که برگرفته از نگرش او به هستی و باورهای مبتنی بر آن نگرش باشد».

3. مبانی اثرگذار بر سبک زندگی

سه مؤلفه بیش از همه می‌تواند متمایز بین سبک زندگی دینی و غیر دینی باشد:

الف. معرفت شناسی

معرفت شناسی و جهان بینی می‌تواند مبتنی بر حس و تجربه، یا تجریدی محض و یا بر هر دو استوار شود.

با نگاه جامع حسی و تجریدی بر ملک و ملکوت انسان، می‌توان به هویت و جایگاه واقعی انسان پی برد.

تعریف انسان به «حی متأله» و تعیین جایگاهی به نام «مقام خلافت» مبتنی بر نگاه خاص به جهان (جهان بینی) استوار است که جهان بینی نیز بر «معرفت شناسی» بنا می‌شود.

وقتی دیدگاه معرفتی کسی سراسر تجربی و حسگرایانه باشد، در نتیجه او انسان را نیز جز ماده نخواهد دید، ولی داشتن دیدگاه جامع و دو بعدی در معرفت شناسی و جهان بینی، باعث توجه و دیدن حیات الهی در مورد انسان می‌شود.¹

¹ عبدالله جوادی آملی، حیات حقیقی انسان در قرآن، ص 324.

ب. هستی شناسی

بر اساس حکمت متعالیه که مبنای استاد جوادی در حکمت متعالیه می باشد، اصالت با وجود است و ماهیت چیزی جز نحوه وجود یا حدود وجود یک موجود نیست.

درباره انسان نیز مطلب همین است که حقیقت وجودی او همان نحوه وجود اوست و چون وجود انسان دارای «امکان عقلی» است، جز فقر محض و عین ربط و نیاز به مبدأ فاعلی خود، نه ماهیتی برای او متصور است و نه هویتی؛ از این رو، در حکمت متعالیه، فاعل را به «مقوم» باز می گردانند و برای ماسوی الله به جهت فقر و ربط محض، جز در پرتو ارتباط با خدا هیچ قوام و دوام و بقایی نمی بینند.¹

در مقابل این نگاه به هستی، نگاه ملحدانه است که جهان پیرامونی و انسان به طور خاص را تافته جدا بافته از ابتدا و انتها دانسته و منکر آفریدگار و رستخیز برای اوست. در این باور که خود دارای شاخه های فراوانی می باشد، بشر چنان گستاخ می شود که «انسان محور همه چیز» معرفی می شود و انسان پرستی جای خود را به خداپرستی می دهد. با توجه به این نگاه، حس مسئولیت نسبت به آفریدگار و یا در نظر گرفتن افقی برای بازخواست نسبت به کارهای خوب و بد بی معنا تلقی می شود.

ج. انسان شناسی

گفتار و کردار انسان ها با همدیگر متفاوت است. در مقام تصور، انسانی را در نظر بگیرید که پای بند به مبانی اعتقادی، مسائل اخلاقی و احکام عملی نیست، از چنین انسانی چه شخصیتی می توان تصویر کرد و چه هویتی می توان برای او در نظر گرفت؟ آیا جز همان تلقی و برداشتی که برخی از صاحب نظران غربی از انسان دارند و وی را «گرگ انسان» یا «حیوان سیاست مدار» و «میمون برهنه» خوانده اند؟²

¹ عبدالله جوادی آملی، حیات حقیقی انسان در قرآن، ص 326.

² همو، حق و تکلیف در اسلام، ص 163.

انسانی که پایبند به مبانی توحیدی، در برابر خداوند، انبیاء، انسان‌های دیگر، حیوانات و طبیعت احساس تکلیف می‌کند و نسبت به همه آنها برای خود مسئولیت‌هایی را تعریف کرده و خود را موظف به انجام آنها می‌داند.

این نوشتار بر این مبناست که انسان دارای مقام «خلیفه الهی» است که تأله و ذوب شدن در اسماء و صفات الهی به عنوان مقوم و اساس هویت انسان است.

«تأله و ذوب در الهیتِ خدای سبحان، فصل مقوم و اساس هویت انسان است و بر همین اساس، خلافت تام الهی بنا می‌شود؛ بنابراین، در وجود آدمی باید آثار الهیت تجلی کند و او را در ارائه اوصاف علمی و عملی صحیح، خلیفه تام خدا سازد»^۱.

پس در بیان استاد جوادی آملی، فصل مقوم انسان و اساس هویت او تأله و ذوب شدن در خداوند است که تجلی آن در آدمی باعث رسیدن به مقام والای خلیفه الهی می‌گردد.

4. موضوعات تأثیر پذیر و متغیر از سبک زندگی دینی و غیر دینی

سبک زندگی دینی و غیر دینی موجود در زندگی انسان‌ها را می‌توان در ضمن این موضوعات مورد بررسی قرار داد و نتیجه‌گیری کرد که اختلاف در نگرش به مبانی ذکر شده در قسمت قبل، چه موضوعاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.^۲

ا. سنت‌گرایی؛

ب. دین‌گرایی؛

ج. معنویت‌گرایی؛

د. لذت‌آنی؛

^۱ همو، حیات حقیقی انسان در قرآن، ص 77.

^۲ فاطمه ابوترابیان، فصلنامه سبک زندگی دینی، سال اول، پیش شماره اول، پائیز 1393. صص 1-95.

ه. روابط جنسی؛

و. ورزش؛

ز. رسانه؛

ح. طبیعت و محیط زیست.

سبک زندگی غیردینی - که در برخی نوشته‌ها با واژه‌ی زندگی غربی آورده شده است - همراه با فرار یا مبارزه با سنت‌ها و رسوم گذشتگان آغاز شده و سعی می‌کند با از بین بردن اخلاق و دین، تمام هویت انسان را موجودی معرفی کند که غایت وجودی‌اش، لذت بردن از خود و جهان پیرامونی‌اش می‌باشد. او به همه‌چیز و همه‌کس نگاه لذت‌مدارانه و منفعت‌جویانه دارد. او کمتر به لذت‌های الهی و عقلی توجه دارد و سعی دارد تمام لذت‌ها را معطوف در لذت‌های حسی و خیالی کرده و از هر چه او را از این‌ها دور می‌کند فرار کند. یکی از این دل‌مشغولی‌ها وقت نهادن برای دیدن صحنه‌های ورزشی و فیلم‌های جنسی و روی آوردن به مواد مخدر است. معنویتی که او به دنبالش است نیز رنگ لذت جسمانی و شهوانی دارد و در عرفان‌ها و ادیان نوظهور جلوه یافته است.

اما در سبک زندگی دینی، آنچه به وضوح آشکار است، تلاش برای رسیدن به عبودیت خداوند، فرار از غفلت و جهل، ترجیح لذات ابدی و همگانی بر لذت‌های شخصی یا آلوده، حس مسؤولیت نسبت به طبیعت و حیات حیوانات و نباتات و به خدمت گرفتن طبیعت و بدن برای خدمت به تعالی بیشتر انسان است.

با توجه به فراوانی موضوعات و مقوله‌های زندگی انسان، تنها برخی از آنها در ضمن فصل اول و دوم مورد بررسی و تبیین قرار خواهند گرفت.

5. صفات کمالیه خداوند

بطور کلی فلاسفه و متکلمین، صفات خداوند را به دو دسته تقسیم می‌کنند:

1- صفات ثبوتیه یا جمالیه و یا کمالیه خداوند یعنی صفاتی که وجود آنها در یک موجود نشانه کمال آن موجود و نبود آنها مایه نقص آن موجود است مانند علم- قدرت- حیات- اراده و ...

2- صفات سلبيه یا جلالیه و تنزیهیه یعنی صفاتی که وجود آنها در یک موجود نشانه عجز و نقص آن موجود و عدم آنها موجود و عدم آنها موجب کمال او است مانند جسمیت- نیازمندی- ترکیب از اجزاء و ...

آیت الله سبحانی بازگشت همه صفات کمالیه را به این وصف می‌داند. «هر کمالی که کمال برای موجود باشد به خاطر وجود داشتنش». که این اوصاف نیز غیر قابل شمارش هستند.¹ پس منظور از صفات کمالیه، صفتی است که بیانگر «کمالی از کمالات لایق برای موجود» می‌باشد. علم، قدرت، حیات و ...

برای صفات الهی تقسیم دیگری نیز شده است که در آنجا نیز سخن از «صفات کمالیه» به میان می‌آید. این تقسیم عبارت است از تقسیم صفات الهی به صفات ذاتیه و صفات فعلیه. ذاتیه صفاتی است که عین ذات واجب الوجود است و سلبش موجب عیب و نقص و احتیاج شود و این صفات را کمالیه نیز می‌گویند: بجهت اینکه ثبوت آنها موجب کمال حق تعالی است و آنها بر دو قسم است حقیقیه و ذات اضافه. حقیقیه صفاتی است که بیش از یک طرف لازم ندارد و در مفهومش نسبت و تعلق به چیز دیگری ملاحظه نمی‌شود مانند حیات و قدیم و ازلی بودن و عظمت و کبریائی.

¹ جعفر سبحانی، الإلهیات علی هدی الكتاب و السنه و العقل، زبان: عربی، تعداد جلد: 4، قم، نوبت چاپ: سوم، 1412ق، ج2، ص7. «جرت عادة الإلهیین علی تقسیم صفات الله تعالی الذاتیه إلى قسمین:

صفات ثبوتیه و صفات سلبيه، و إن شئت قلت: صفات الجمال و الإكرام، و صفات الجلال و التنزیه. و تهدف الأولى منها إلى توصیفه تعالی بما يعد کمالاً للموصوف، و جمالاً له، كالعلم و القدرة و الحیاء و الاختیار.

و تهدف الثانية إلى تنزیهه سبحانه عن النقص و العیب. و قد تقدم منّا فی أوائل البحث عن الصفات، أن مجموع صفاته الثبوتیه ترجع إلى وصف واحد و هو كونه متّصفاً بكل کمال يعد کمالاً للموجود، بما هو موجود. و أن ما يذكر فی مقام العدّ من العلم و القدرة الخ فهو من باب بیان المثال، و لا تنحصر بما عدوه. كما أن مجموع الصفات السلبيه التي ستتلى عليك إنشاء الله ترجع إلى أمر واحد و هو تنزیهه عن كل نقص و عیب».

ذات اضافه صفاتی است که دو طرف لازم دارد به این معنی که در مفهومش نسبت و تعلق به چیز دیگری ملحوظ می باشد مانند علم که در مفهومش تعلق به معلوم و قدرت که در مفهومش تعلق به مقدر ملاحظه می شود لکن تعلق این صفات به متعلق توقف بر وجود متعلق ندارد - یعنی - خداوند قبل از وجود معلوم عالم و پیش از وجود مقدر قادر بوده است.

و صفات فعلیه صفاتی است که سلبش موجب عیب و نقص نیست بلکه ثبوت و سلبش برای حق تعالی هر دو رواست و آنها را جمالیه نیز می گویند: برای اینکه صدور آنها از حق تعالی دارای حسن و جمال و خوبی و از روی حکمت و مصلحت است مانند خلق و رزق و اماته و احیاء و غیره.¹

مصادیق صفات کمالیه الهی در این تقسیمها تفاوتی پیدا نمی کند و مراد از صفات کمالیه همان صفات اشاره دهنده به کمالات خداوند متعال هستند که آثار باور به آنها در این نوشتار بررسی خواهد شد.

6. توحید افعالی

الف: تعریف توحید افعالی

بدین معنا است که آنچه در هستی انجام می گیرد، فعل خدا است و آفریدگان همان سان که در ذات خویش مستقل نیستند، در تأثیر و فعل نیز استقلال ندارند. توحید افعالی یا استناد افعال به خداوند، به معنای نفی قانون علیت نیست؛ زیرا خداوند اراده کرده است که هر کاری از گذر علل و اسباب خود انجام پذیرد هر چند علل و اسباب نیز در تأثیر خویش، مستقل نیستند. توحید افعالی به معنای سلب اراده و اختیار از انسان نیز نیست.

خداوند، انسان را مختار آفریده است و انسان با اراده خویش و یاری آنچه خداوند بدو داده است، منشأ افعال می شود. معتزله برای تنزیه خدا و نسبت ندادن گناهان و افعال زشت - مانند

¹ سید عبد الحسین طیب، کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام، زبان: فارسی، تعداد جلد: 1، کتابخانه اسلام، چهارم، 1362

ظلم- به خدا، علل و اسباب را در تأثیر مستقل دانسته و بر آن رفته‌اند که ممکنات تنها در ذات خویش به خدا محتاج‌اند و در فعل، استقلال دارند.

بدین سان، معتزله، تأثیر را به علل و اسباب وا می‌گذارند و از همین رو است که آنان را «مُفَوَّضَةٌ» نیز گویند. معتزله در حقیقت، برای تنزیه خدا از افعال زشت، برای او در افعال شریک برنهادند. در برابر، اشاعره- برای حفظ توحید افعالی- همه تأثیرات را به خداوند نسبت داده و هر گونه علیّت و تأثیر را در عالم انکار کرده‌اند.

آنان معتقدند «عادت الهی» بر این است که آثار، در پی وجود مؤثر آشکار گردند بی‌آنکه مؤثر را دخلی در اثر خود باشد.

این باور اشاعره- یعنی نفی تأثیر و علیّت- به انکار اراده و اختیار انسان می‌انجامد که با براهین عقلی و آیات و روایات صریح ناسازگار است؛ زیرا مفاد توحید افعالی، نفی استقلال در تأثیر است نه نفی هر گونه تأثیر. قرآن کریم به روشنی تمام، حوادث جهان را به علل و اسباب نسبت می‌دهد و انسان را مختار می‌داند و در همان حال، همه تأثیرات را از خدا می‌داند. بدین سان، قانون علیّت و اراده و اختیار انسان هیچ ستیزی با توحید افعالی ندارد.¹

از روایات امامان معصوم (ع) بر می‌آید که انسان نه مجبور است و نه مختار مطلق؛ بلکه در جایگاهی به نام «امر بین الامرین» قرار دارد.²

ب: انواع توحید افعالی

توحید سه قسم است: ذاتی، صفاتی و افعالی.

¹ محمد حسین طباطبائی، نه‌ایه الحکمه، شرح علی شیروانی، ج 3، ص 335-360. (مرحله دوازدهم، الفصل الرابع عشر، فی أن الواجب تعالی مبدء لكل ممکن).

² رک: بحار الأنوار، ج 5، ص 75. «فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَخْبِرْنَا عَنِ الْقَدْرِ فَقَالَ لَمَّا آيَبْتَ فَإِنَّهُ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِضَ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ فُلَانًا يَقُولُ بِالْإِسْطِطَاعَةِ وَهُوَ حَاضِرٌ فَقَالَ عَلِيُّ ع عَلَيْهِ بِهَ فَأَقَامُوهُ فَلَمَّا رَأَاهُ قَالَ لَهُ الْإِسْطِطَاعَةُ تَمْلِكُهَا مَعَ اللَّهِ أَوْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَإِيَّاكَ أَنْ تَقُولَ وَاحِدَةً مِنْهُمَا فَتَرْتَدَّ فَقَالَ وَمَا أَقُولُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ قُلْ أَمْلِكُهَا بِاللَّهِ الَّذِي أَنْشَأَ مَلَكُوتَهَا».

توحید افعالی از منظر قرآن کریم یعنی هیچ مؤثر مستقلی در عالم غیر از خدای سبحان نیست و قیومیت هستی، آفرینش، مالکیت، ربوبیت، رازقیت و ولایت که هر یک بر دیگری مترتب است منحصرأ از آن خداست.¹

بنابراین توحید افعالی دارای شعبه‌ها و انواع فراوانی است که یکتائی پروردگار در فعل، بر همه آنها سایه افکن است:

توحید در عبادت، خالقیت، ربوبیت، مالکیت، رازقیت، عزت، ولایت، استعانت و.....

7. رابطه اعتقاد و رفتار

هر چند در نگاه ابتدائی ممکن است تلازمی بین باورها و رفتارهای انسانی دیده نشود؛ اما با نگاه علمی می‌توان به یقین اذعان کرد که بین اعتقادات انسان و رفتارهای او رابطه‌ای بس تنگاتنگ وجود دارد.

رفتارهای انسان‌ها به تناسب اعتقادات آنهاست. این تناسب را با تقسیم انسان به مؤمن و غیر مؤمن، بیشتر می‌توان مورد دقت قرار داد:

مؤمن کسی است که بر اساس دیدگاه خود در مورد هستی که آن را خلقت خداوندی یکتا می‌داند، کارهای خود را بر اساس این خداباوری تنظیم کرده و برای آن تبلیغ و ایثار نموده و در نهایت جان خود را نیز فدا می‌نماید. اما غیرمؤمن کسی است که در جهان‌بینی خود یا به خدائی باور ندارد و یا به خدایان گوناگون معتقد است و در برابر آنها خضوع نموده و در دفاع از آنها مبارزه می‌کند و گاه نیز در این مبارزه کشته می‌شود. پس نه اینکه او حتماً تن‌پرور و لذت پرست باشد، زیرا بسیاری از کسانی که به خدا باور ندارند نیز برای تأمین رفاه دیگران ایثار و فداکاری کرده و یا برای تهیه آزادی، مسکن و نان هم‌نوعان، جان خود را نیز فدا می‌نمایند، بلکه مادی بودن رفتار این گروه به این معناست که آرمانها و تلاشهای آنها در محدوده حیات مادی انسانها است. دلیل این محدودیت نیز این است که آنها اعم از این که لذت طلب بوده و یا اهل ایثار باشند هر امر غیرمادی را معدوم می‌پندارند و در نتیجه تمام اهداف و روشهای آنها در همین محور خلاصه می‌شود.

¹ عبدالله جوادی آملی، توحید در قرآن، ص 378.

براساس اعتقادات افراد مؤمن به جز عالم ماده، واقعیتی فراتر از این عالم ماده نیز وجود دارد که اعمال خوب و بد او با آن عالم ارتباط دارد. صداقت یا دروغ، تجارت یا ربا، ازدواج یا زنا، محبت یا خشونت، و هر کار او دری از خیر و یا شر به رویش می گشاید.

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ¹

ولی اعتقاد به تأثیرگذاری غیب در زندگی روزمره، در باور ملحدان، تنها یک خرافه برآمده از جهل است و حوادث جهان را فقط گره خورده در همین قوانین مادی می پندارند. آنها گروه انبیاء و معتقدان به غیب در احکام ثابت زندگی را انسان‌هایی می دانند که از ضعف فکری مردم برای رسیدن به قدرت طلبی‌هایشان استفاده کرده‌اند.

این افراد در اثر گرایش‌های مادی در هستی‌شناسی، موهوم‌ها را معقول و معقول‌ها را موهوم می پندارند و می گویند:

«وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلًّا آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ»²

چون آنان حقایق را اسطوره انگاشتند قهراً افسانه‌ها را حقایق پنداشتند و در این ارزیابی اصولی فرقی بین مشرک و ملحد نیست و گرچه آیه مزبور درباره مشرکان است لیکن جهان‌بینی مادی‌گرایانه بازدهی جز آنچه اشاره شد، ندارد.³

دیدگاه و نگاه توحیدی به جهان، رنگ و بوی خدا و نورانیت به زندگی انسان می دهد و بین رفتارهای حیوانات و انسان تمایز ایجاد می کند. به عبارت دیگر، بدون باور به خداوند و پایبندی به دستورات او تفاوتی میان انسان و حیوان باقی نمی ماند و چه بسا عقل و یا همان قوه ناطقه‌ای که حکما به عنوان فصل مقوم انسان یاد کرده‌اند نیز در خدمت حیوانیت او قرار گیرد.

امام زین العابدین در مناجاتشان می فرمایند:

¹ سوره حجر (15) آیه 21.

² سوره انعام (6) آیه 25.

³ عبدالله جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، ص 187.

«وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَى مَا أَوْلَاهُمْ مِنْ مَنَنِ الْمُتَتَابِعَةِ، وَ أَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعْمِهِ الْمُتَظَاهِرَةِ، لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَ تَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ. وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: «إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا».

«حمد و سپاس خداوندی را که اگر معرفتِ حمد خویش را از بندگان خود دریغ می داشت، در برابر آن همه نعمتها که از پس یکدیگر بر آنان فرو می فرستاد، آن نعمتها به کار می داشتند و لب به سپاسش نمی گشادند، به رزق او فراخ روزی می جستند و شکرش نمی گفتند. و اگر چنین می بودند از دایره انسانیت برون می افتادند و در زمره چارپایان در می آمدند. چنان می شدند که خدای تعالی در محکم تنزیل خود گفته است: «چون چارپایانند، بل از چارپایان هم گمراه تر».^۱

پس آنچه در تعبیر امام (علیه السلام) باعث جدا شدن انسان از زمره چهارپایان است، رابطه او با «حمد الهی» است. او با جدائی از حمد الهی، چه بسا از حیوانات نیز گمراه تر و از گرگ نیز درنده تر می شود.

استاد جوادی آملی در تبیین این نکته می فرماید:

«حمدٌ فصلٍ مقومٌ انسان است: فیلسوفان «نطق» را فصل مقوم و مرز انسانیت انسان می دانند. نطق، به معنای سخن گفتن باشد یا «ادراک کلی»، بیانگر حد انسانیت نیست. در فرهنگ قرآن و عترت، انسان به معنای «حیوان ناطق» نیست، بلکه معنایش «حیوان ناطقِ حامد» است.

بنابراین، اگر کسی حامد نبود یا تنها در حد زبان اهل حمد بود نه در قلب و از روی ایمان، گرچه برخلاف سایر حیوانات که ساکتند، او حیوان ناطق و گویاست اما از حدود انسانیت خارج شده، به مرز بهیمیت پیوسته است؛ زیرا چهارپایان از نعمتها بهره می برند، ولی معرفت حمد ندارند».^۲

^۱ علی بن الحسین علیه السلام، امام چهارم، الصحيفة السجادية / ترجمه آیتی، جلد ۱، سروش - تهران، چاپ: دوم،

۱۳۷۵ ش.

^۲ عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۱، ص 368.

و البته از این نکته نباید غافل شد که همه موجودات بنابر آیات الهی اهل «حمد و تسبیح الهی» هستند.¹ اما آنچه باعث تفاوت انسان و حیوان می شود، مرتبه کامل حمد است. حیوانات چون از عقل بهره‌ای ندارند، به کمال حمد معقول نمی‌رسند؛ ولی همین انسان، اگر عقل خود را به خدمت غضب و شهوت در آورد از حیوان نیز پست تر می‌شود.

حیوان تنها در محدوده شعور حیوانی، در پی ارضای شهوت و غضب است؛ اما انسان عقل و اندیشه را نیز در خدمت شهوت و غضب به کار می‌گیرد و با داشتن چراغ، بیراهه می‌رود. چنین عقلی در اسارت هوسهاست: «کم من عقل أسیر تحت هوی أمير».

حیات واقعی انسان تنها به زندگی حیوانی او نیست. او باید حیاتی متمایز با حیوانات داشته باشد.

«حیات انسان در تأله او شکل می‌گیرد و تأله نیز اساس فطرت آدمی و عین حقیقت اوست؛ از این رو، بدون خداخواهی نمی‌توان حیاتی برای انسان تصور کرد و او را زنده نامید؛ پس بازگشت حیات متألهانه انسان به توحید اوست و اگر بینش توحیدی انسان بازستانده شود، آدمی حیات خود را از دست می‌دهد و در فرهنگ جامع دین به شمار مردگان می‌آید».²

پس رابطه اعتقاد و رفتار انسان آن چنان در هم تنیده است، که بدون باور به خداوند و توحید، حیات خارجی انسانی برای انسان بی‌معنا شده و در حقیقت او تنها یک انسان حیوان صفت و یا مرده‌ای بیش نخواهد بود. و آنچه به انسان حیات حقیقی می‌دهد، زندگی بر اساس باور به خداوند یکتاست.

¹ إن من شیء إلا یسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبیحهم. سوره اسراء (17) آیه 44.

² عبدالله جوادی آملی، حیات حقیقی انسان در قرآن، ص 53.